

در پروژه‌های عظیم خواهد کاست. برخی از پروژه‌ها مانند نئوم احتمالاً به عنوان پروژه‌های آبرومندانه و کم‌اهمیت با زیرساخت‌های نیمه‌تمام که بسیار کمتر از تحقق اهداف اولیه هستند، باقی خواهند ماند. سایر پروژه‌ها ممکن است به‌طور کامل لغو شوند، به‌ویژه پروژه‌هایی که کلنگ آنها زده نشده یا پیشرفت قابل توجهی نداشته‌اند، مانند برج Rise با ارتفاع ۲ کیلومتر که ساختش در ریاض برنامه‌ریزی شده است. در همین حال، صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان سعودی توجه خود را دوباره بر پروژه‌های کوتاه‌مدت، مانند گردشگری و زیرساخت‌های حیاتی و پروژه‌های بلندمدت‌تر، مانند توسعه معدنی و تبدیل عربستان سعودی به یک قطب لجستیک، متمرکز خواهد کرد. با این وجود، پروژه‌های بلندمدت در میان‌مدت با بررسی و بازبینی دقیق صندوق مواجه خواهند شد و ممکن است بر اساس برداشت صندوق از سهم آنها در اقتصاد غیرنفتی، تسریع یا کند شوند. اما ریاض پیشنهاد پایان دادن به مشارکت صندوق سرمایه‌گذاری عمومی در اقتصاد را نمی‌دهد و احتمالاً در طول این دوره به حمایت از بخش‌ها و پروژه‌های خاص ادامه خواهد داد و نقش دولت را به عنوان محرک اصلی توسعه، به‌ویژه برای پروژه‌های نوپا یا بلندمدت، حفظ خواهد کرد. این روند نشان می‌دهد که اقتصاد سیاسی - که توسط سلطنت کنترل می‌شود - بدون تغییر باقی خواهد ماند.

صنعت گردشگری در حال حاضر حدود ۱۱/۵ درصد از کل تولید ناخالص داخلی عربستان سعودی را تشکیل می‌دهد که بخشی از آن به دلیل زیارت حج و همچنین رشد گردشگری سکولار است. این فشار سکولار توسط رسانه‌های دولتی و سرمایه‌گذاری‌ها برای جذب نسل جدیدی از گردشگران به پادشاهی عربستان پس از سال‌ها انزوای نسبی انجام می‌شود؛ که نشانه دیگری از ادامه مشارکت دولت در توسعه است.

در امارات متحده عربی، پروژه‌هایی مانند جمیرا و شهر مصدر - که هر دو پروژه‌های عظیم هستند که از دهه ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰ کلید خوردند، تا حد زیادی در نتیجه تغییرات اقتصادی در محرک‌های رشد کشور، راکد مانده یا رها شده‌اند. چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی به شدت از استراتژی توسعه دُبی الهام گرفته شده است و رویکرد پروژه‌های عظیم را برای ایجاد احساسات مثبت بین‌المللی و داخلی کپی کرده است. از سال ۲۰۰۹، دولت عربستان سعودی بیش از ۲۰ درصد از تولید ناخالص داخلی را از طریق هزینه‌های مربوط به کالاهای و خدمات تأمین کرده است که طبق گزارش بانک جهانی، بالاترین میزان آن در سال ۲۰۲۰، ۲۷ درصد و در سال ۲۰۲۴ به ۲۱ درصد کاهش یافته است.

به دلیل دورافتادگی، مقیاس بزرگ و نیازهای بالای فناوری که به شدت به حمایت نامحدود صندوق سرمایه‌گذاری عمومی (PIF) وابسته است، امکان‌سنجی پروژه نئوم از همان ابتدا مورد تردید بوده است. تغییر رویکرد صندوق به سمت سرمایه‌گذاری‌های متمرکز بر بازده نشان می‌دهد که پروژه‌های عظیم در عربستان، اکنون بر اساس تقاضای بازار و نه اراده سیاسی، پیشرفت کرده و یا متوقف خواهند شد. این نظم بازار ممکن است به سایر پروژه‌های توسعه‌ای نیز گسترش یابد، زیرا PIF تمایل کمتری به تأمین مالی پروژه‌های فاقد بازده مشخص دارد. درحالی‌که سرمایه‌گذاری‌هایی مانند ساخت تفرجگاه دریای سرخ ممکن است از رونق گردشگری بهره‌مند شوند، برخی دیگر - مانند ساخت یک پارک تفریحی در سکوه‌های نفتی و مجتمع‌های بزرگ تفریحی و ورزشی در ریاض - با توجه به تقاضای ضعیف، با چشم‌اندازهای نامشخصی روبه‌رو هستند. رشد بخش غیرنفتی احتمالاً همچنان قوی خواهد ماند؛ که بخشی از آن به دلیل جمعیت نسبتاً جوان عربستان سعودی، افزایش علاقه به سرمایه‌گذاری، روابط خارجی قوی و تقاضای مداوم برای نفت عربستان سعودی است که به دولت اجازه می‌دهد تا روند اعمال مالیات یا کاهش خدمات را کند کند. ساخت‌وساز، تجارت، لجستیک، خدمات مالی، گردشگری و هتل داری همچنان

از رشد قوی برخوردار هستند. صندوق سرمایه‌گذاری عمومی (PIF) همچنان دارایی‌های لازم برای تثبیت رشد خود در کوتاه‌مدت، حتی در مواجهه با رکود یا کندی اقتصادی جهانی را دارد. همچنین قانون دفتر مرکزی شرکت‌های عربستان سعودی برخی از شرکت‌های بزرگ را متقاعد کرده که به این پادشاهی نقل مکان کنند و این امر باعث تقویت بیشتر وجهه شرکتی آن و بهبود روحیه تجاری شده است. با توجه به اینکه ۷۱ درصد از جمعیت عربستان سعودی زیر ۳۵ سال هستند، جمعیت جوان همچنان به رشد بلندمدت ادامه خواهند داد، به‌ویژه با بهبود سطح تحصیلات به عنوان بخشی از روند اصلاحات آموزشی فراگیر پادشاهی عربستان. در همین حال، روابط خارجی عربستان سعودی به کاهش تهدیدات امنیتی و بهبود فضای کسب و کار کمک کرده است؛ به‌طوری‌که این پادشاهی به‌ویژه با وجود مشارکت شرکای نزدیکی مانند ایالات متحده علیه ایران و حوثی‌ها در یمن، از گزند آسیب‌های احتمالی به واسطه جنگ اسرائیل و حماس و جنگ اخیر اسرائیل و ایران دور مانده است. در همین حال، عربستان سعودی توانسته است از اعمال مالیات بر درآمد بر ساکنان و شهروندان خود اجتناب کند؛ که یکی از معدود راه‌هایی است که می‌تواند در آینده از مزیت مالیاتی احتمالی برخوردار شود، زیرا کشورهایی مانند عمان و امارات متحده عربی به‌طور فزاینده‌ای برای چنین ساختارهای مالیاتی در آینده نزدیک برنامه‌ریزی می‌کنند. اما آنچه تغییر نمی‌کند، نقش دولت عربستان سعودی در جلوگیری از تأثیر چرخه تجاری بر استانداردهای زندگی در عربستان سعودی است.

عمان قصد دارد مالیات بر درآمد را به عنوان اولین کشور در خلیج فارس اجرا کند، زیرا بودجه عمان به دلیل کاهش درآمدهای نفتی و افزایش تقاضا برای هزینه‌ها همچنان تحت فشار است. امارات متحده عربی هیچ برنامه فوری برای اجرای قانون مالیات بر درآمد ندارد، اما در سال ۲۰۲۳ مالیات شرکتی ۱۵ درصدی را اجرا کرده که اولین قانون مالیاتی در این کشور محسوب می‌شود. دلیلش این بوده که فشارهای بودجه‌ای باعث شده دولت امارات به سمت یافتن منابع درآمدی جدید فراتر از نفت حرکت کند. عربستان سعودی در حال حاضر نرخ مالیات شرکتی بالایی با ۲۰ درصد دارد که بالاترین نرخ در شورای همکاری خلیج فارس است.

صندوق بین‌المللی پول، رشد عربستان را در سال ۲۰۲۵ و احتمالاً ۲۰۲۶، ۴ درصد از تولید ناخالص داخلی پیش‌بینی می‌کند که ناشی از موفقیت بخش غیرنفتی و افزایش مورد انتظار قیمت نفت به دلیل تحریم‌های غرب علیه روسیه و اعمال مجدد تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران است.

مانند بسیاری از کشورهای دیگر، نیروی کار جوان‌تر برای اقتصاد عربستان سعودی یک مزیت است. این نسل جوان افزایش هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی را کند می‌کند، نیروی کار را ارزان‌تر نگه می‌دارد، مهارت‌های جدیدتری را به همراه می‌آورد و مصرف را افزایش می‌دهد. این روند در تضاد با مناطق رو به پیری مانند اروپا و ایالات متحده است. در این کشورها نیروی کار مسن‌تر به طور فزاینده‌ای عامل رشد کندتر اقتصاد هستند. با ارزیابی مجدد حمایت عربستان سعودی از پروژه‌های عظیم، احتمالاً این پادشاهی بودجه سرمایه‌گذاری‌هایی با تأثیر محدود بر اشتغال داخلی را کاهش خواهد داد و در عین حال به حفظ بخش‌هایی مانند گردشگری، فناوری و امور مالی که به‌طور فزاینده‌ای برای مشاغل سعودی تأثیر محوری دارند، ادامه خواهد داد. با توجه به اینکه بسیاری از پروژه‌های عظیم به جای استخدام اتباع سعودی به‌عنوان کارگر، نیروی کار خارجی استخدام می‌کنند، تأثیر سیاسی و اجتماعی کند شدن و یا شکست‌خوردن این پروژه‌ها برای عربستان حداقل است؛ بنابراین پادشاهی عربستان می‌تواند به راحتی حمایت خود را از این پروژه‌ها کاهش دهد. چراکه حتی اگر این پروژه‌ها تعطیل شوند نیز آسیبی سیاسی - اجتماعی متوجه عربستان نمی‌شود. اما

این روند لزوماً در همه بخش‌ها صدق نمی‌کند. به‌عنوان مثال، گردشگری به‌طور فزاینده‌ای به یکی از عوامل اصلی اشتغال در عربستان تبدیل شده است. بسیاری از سعودی‌های تحصیل کرده نیز به‌طور فزاینده‌ای به کار در حوزه فناوری و امور مالی جذب شده‌اند. این امر انگیزه‌های پادشاهی را برای حمایت از این بخش‌ها حتی در صورت رکود داخلی یا بین‌المللی افزایش می‌دهد. در نتیجه، حتی با نزدیک شدن به پایان چشم‌انداز ۲۰۳۰، قرارداد اجتماعی ضمنی پادشاهی عربستان، که طبق آن قرار است ریاض به اشتغال شهروندان سعودی یارانه دهد، تا حد زیادی دست‌نخورده باقی خواهد ماند. این روند پرداخت یارانه به ناکارآمدی در این بخش‌ها دامن می‌زند و بار طولانی‌مدتی بر دوش هزینه‌های دولت عربستان سعودی خواهد بود. در طول رکود ناشی از پاندمی کووید-۱۹، دولت عربستان سعودی یک بسته محرک اقتصادی ۳۵ میلیارد دلاری برای حمایت از کارگران و صنایع در طول قرنطینه‌ها و تعطیلی‌ها ارائه کرد.

اگر درآمدهای نفتی دیگر برای تأمین یارانه‌ها کافی نباشد و اگر یارانه‌ها نتوانند با نیازهای سبک زندگی همگام شوند یا اگر یک شوک ژئوپلیتیکی بزرگ استانداردهای زندگی را تضعیف کند و اقتصاد سیاسی عربستان سعودی تا حد زیادی بدون تغییر باقی بماند، ممکن است در دهه‌های آینده منجر به بی‌ثباتی شود. توانایی فروش نفت برای تأمین یارانه‌های مورد نیاز دولت عربستان سعودی در آینده به‌طور فزاینده‌ای نامشخص خواهد شد، زیرا این کالای پرنوسان به الگوی تاریخی نوسانات بین مازاد عرضه و کمبود ناشی از شرایط اقتصادی جهانی ادامه می‌دهد. در دوره‌های مازاد عرضه که قیمت‌ها پایین هستند، عربستان سعودی برای تأمین تمام تقاضاهای یارانه‌ای به ترقلا خواهد افتاد و با فشار برای کاهش یارانه‌ها و تأمین هزینه‌ها از طریق کسری بودجه مواجه خواهد شد. اگر چه سطح بدهی، در ۳۰ درصد از تولید ناخالص داخلی، پایین است، اما ترکیبی از کاهش یا تثبیت مداوم قیمت نفت و افزایش هزینه‌های یارانه می‌تواند نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی ریاض را بالاتر ببرد. در نتیجه، در سال‌ها و دهه‌های آینده، یارانه‌ها به بار سنگین‌تری برای بودجه عربستان سعودی تبدیل خواهند شد و ممکن است دیگر نتوانند با خواسته‌های سبک زندگی که برای حفظ قرارداد اجتماعی حمایت اقتصادی در ازای رکود سیاسی ضروری است، همگام شوند. در همین حال، اگر قیمت نفت سریع‌تر کاهش یابد، چه به دلیل نوآوری تکنولوژیکی و ظهور انرژی‌های نو و چه به دلیل رکود اقتصادی جهانی، دولت عربستان به واسطه پرداخت یارانه‌ها تحت فشار قرار خواهد گرفت. دولت ممکن است نیاز به ایجاد بدهی بیشتر، کاهش یارانه‌ها یا هر دو داشته باشد. سیستم یارانه‌ه قادر به جبران تأثیر شوک‌های ژئوپلیتیکی بزرگ احتمالی مانند جنگ‌های آینده، رکودهای اقتصادی بزرگ یا تغییرات ایدئولوژیکی که فقط با مشروعیت قابل جبران هستند تا کمک و حمایت مالی، نخواهد بود و این خطر را افزایش می‌دهد که یک شوک در آینده بتواند بی‌ثباتی قابل توجهی را به همراه داشته باشد. اگر چه زمان‌بندی اوج تقاضای جهانی نفت همچنان بسیار نامشخص است، اما وقتی این اتفاق بیفتد، به دلیل ترکیبی از تغییرات سیاستی و نوآوری‌های فناوری، می‌تواند چالش بزرگی برای ساختار یارانه‌ای عربستان سعودی ایجاد کند.

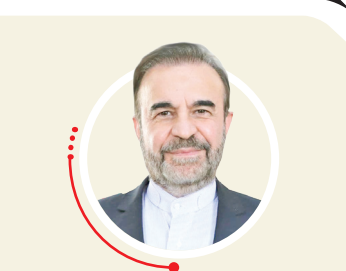
عربستان سعودی در طول جنگ، مانند مداخله یمن در سال ۲۰۱۶ آغاز شد و در جریان رویارویی نظامی با ایران در سال ۲۰۱۹، برای بسیج افکار عمومی‌اش به سختی تلاش کرده است. اما اقتصاد سیاسی این کشور حائز امتیاز یک روحیه ملی‌گرایانه سنتی که می‌تواند شهروندان را به تحمل سختی‌ها متقاعد کند برخوردار نیست، و این امر باعث می‌شود که مشخص نباشد که آیا ساختار اقتصادی و سیاسی عربستان می‌تواند در برابر یک رویارویی نظامی گسترده با رقیبی مانند ایران مقاومت کند یا خیر.

**ترجمه: آریا صدیقی**

نیز خواستار مذاکرات مستقیم با اسرائیل شده اما تاکید کرده که این مذاکرات باید مشروط به شرایطی باشد.
این مذاکرات در صورتی آغاز می‌شود که تهدیدی واضح برای حزب‌الله خواهد بود چراکه مسیر را برای برقراری نوعی صلح بین لبنان و اسرائیل باز می‌کند و به‌طور طبیعی حزب‌الله را نیز تضعیف خواهد کرد.
حزب‌الله لبنان به سخنان اخیر جوزف عون واکنش نشان داده است.
حزب‌الله در یک نامه سرگشاده تاکید کرده با خلع سلاح و مذاکره با اسرائیل مخالفت خواهد کرد، همچنین تاکید کرده که مقاومت دربرابر اشغالگری اسرائیل ستون ثابت سیاست‌های این گروه است.

به‌رغم همه این تنش‌های داخلی در لبنان به نظر می‌رسد تا اطلاع ثانوی ادامه یابد، این احتمال وجود دارد که مذاکرات میان دولت لبنان و اسرائیل، صرف‌نظر از موضع حزب‌الله رخ دهد.
حزب‌الله تلاش می‌کند این مفهوم را در جامعه لبنان جا بیندازد که مذاکرات مستقیم با اسرائیل امتیازدهی غیرقابل قبول به نیروی اشغالگر است. اما باید منتظر ماند و دید که افکار عمومی لبنان در این خصوص چه دیدگاهی دارند.

**دیپلمات‌ها**



## فشار بر ایران در آژانس

نماینده دائم ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با اشاره به اقدام آمریکا و سه کشور اروپایی در ارائه پیش‌نویس قطعنامه جدیدی در شورای حکام آژانس تصریح کرد: تحمیل گزارش‌دهی بر مدیرکل بر اساس قطعنامه‌های منقضی‌شده شورای امنیت، در عمل به پیچیدگی‌های موجود خواهد افزود اما هیچ تغییری در وضعیت فعلی اجرای پادمان در ایران ایجاد نمی‌کند. رضا نجفی، نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در پاسخ به سوال خبرنگاران درباره اقدام آمریکا و سه کشور اروپایی در ارائه پیش‌نویس قطعنامه جدیدی در شورای حکام آژانس گفت: آمریکا و سه کشور اروپایی در ادامه سوءاستفاده‌های خود از سازوکارهای بین‌المللی برای تحمیل دیدگاه‌های غیرمنطقی و قلدرمآبانه خود علیه ملت ایران، درصددند با بهره‌گیری سوء از اکثریت عددی خود در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، آنچه را که در نیویورک به‌دست نیاوردند در وین تحمیل کنند. نماینده ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تصریح کرد: تحمیل گزارش‌دهی بر مدیرکل بر اساس قطعنامه‌های منقضی‌شده شورای امنیت، علاوه بر اینکه اقدامی کاملاً غیرقانونی و ناموجه است در عمل نیز به پیچیدگی‌های موجود خواهد افزود و ضربه‌ای دیگر به دیپلماسی وارد خواهد کرد.نجفی همچنین تاکید کرد که اقدام غیرقانونی آمریکا و سه کشور اروپایی هیچ تغییری در وضعیت فعلی اجرای پادمان در ایران که نتیجه تجاوز جنایتکارانه آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران و مماشات و همدستی سه کشور اروپایی است، ایجاد نمی‌کند.وی ضمن دعوت از همه کشورهای عضو شورای حکام برای مخالفت با یکجانبه‌گری‌های مخرب آمریکا و سه کشور اروپایی در رابطه با موضوع هسته‌ای ایران، بر حق ایران برای واکنش مقتضی به هرگونه تحرک غیرقانونی و ناموجه آمریکا و سه کشور اروپایی تاکید کرد.بیشتر شبکه‌المیادین اعلام کرده‌بوده پیش‌نویس قطعنامه‌ای دست یافته که کشورهای اروپایی قصد دارند آن را در نشست آتی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ارائه کنند.

بر اساس این پیش‌نویس، ایران ملزم است تمامی فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی و بازفراوری، از جمله فعالیت‌های پژوهش و توسعه را تعلیق کند. در این پیش‌نویس همچنین تاکید شده که ایران باید به طور دقیق مطابق با مفاد پروتکل الحاقی عمل کند. به نوشته المیادین، در این سند ادعا شده است که ایران طی پنج ماه گذشته هیچ‌گونه اطلاعاتی درباره وضعیت ذخایر اورانیوم غنی‌شده خود به آژانس ارائه نکرده است. نشست آینده شورای حکام چهارشنبه هفته آینده (۲۸ آبان ۱۴۰۴) در وین برگزار خواهد شد. لارنس نورمن خبرنگار وال استریت ژورنال در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «می‌دانم که این موضوع [ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت] بسیار بعید است. این طرح نیست. قبلاً همان‌طور که گزارش داده بودم- تحت بررسی بود، اما اکنون دیگر این‌طور نیست. هفته آینده یک قطعنامه چهارجانبه صادر خواهد شد. این قطعنامه برای گروسی درباره الزامات گزارش‌دهی مقداری شفافیت ایجاد می‌کند و ایران را به دلیل عدم همکاری با آژانس مورد سرزنش قرار می‌دهد. اما فضا به‌گونه‌ای است که می‌گوید به دیپلماسی زمان بدهیم. درگیری‌های ماه ژوئن هنوز تازه است، پس بهتر است تشدید تنش نکنیم. بنابراین فعلاً نه ارجاع پرونده به شورای امنیت سازمان ملل و نه قطعنامه «عدم پایبندی» مطرح خواهد شد. با این حال، این وضعیت برای همیشه باقی نخواهد ماند و یادآوری این نکته که اکنون دو گزینه مربوط به شورای امنیت در اختیار سه کشور اروپایی (E۳) قرار دارد. حتی می‌توان این دو را با هم ترکیب کرد. ارجاع پرونده به شورای امنیت به‌خاطر «عدم پایبندی» ایران در پرونده پادمان‌ها درباره مواد هسته‌ای اعلام‌نشده، موضوع عدم گزارش‌دهی ایران و عدم ارائه دسترسی به آژانس از ماه ژوئن تاکنون. هر دو مسیر قابلیت تشدید دارند. اما انتخاب فعلی این است که این روند تشدید از هفته آینده آغاز شود. تصور می‌کنم اگر در یکی دو ماه آینده در زمینه دسترسی آژانس و گزارش‌دهی ایران تغییری ایجاد نشود، این تصمیم می‌تواند تغییر کند.»

جنوب رودخانه لیتانی می‌شود. حزب‌الله اسرائیل را متهم کرده که بارها مفاد آتش‌پس را نقض کرده است. اسرائیل در یک‌سال اخیر بارها اهدافی مرتبط با حزب‌الله را هدف حملات هوایی خود قرار داده است. اسرائیل از دولت لبنان می‌خواهد روند خلع سلاح حزب‌الله را تسریع کند و تهدید کرده که در صورت سستی دولت لبنان، حملات بیشتری به این کشور صورت خواهد داد. اخیراً نیز حزب‌الله فشار دیپلماتیک و نظامی خود را بر دولت لبنان افزایش داده و حملاتی در خاک لبنان صورت داده است. به موازات اقدامات اسرائیل، دولت آمریکا نیز فشار دیپلماتیک زیادی بر دولت لبنان وارد می‌کند. سخنان اخیر تام باراک فرستاده ویژه آمریکا درباره لبنان که در آن دولت لبنان را یک «دولت ورشکسته» نامید و همچنین سخنان مورگان اورنگاس، فرستاده خاورمیانه دولت آمریکا که اعلام کرد ارتش لبنان باید فوراً به تعهدات خود به طور کامل عمل کند، نشان‌دهنده تشدید فشار بر دولت لبنان است.

مذاکراتی که جوزف عون به آن اشاره کرده در صورت انجام شدن